

تحلیل و بررسی سبک فکری شعرای ادبیات مقاومت در ایران با محوریت فلسطین

کیخسرو ذوالفقاری، زهره نورایی نیا^{*}، هانیه صدری مجد

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، تهران، ایران.

سال نوزدهم، شماره چهارم، تیر ۱۴۰۵، شماره پی در پی ۱۲۲، صص ۸۹-۶۷

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8183>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: ادبیات مقاومت و پایداری، دغدغه‌های اجتماعی، سیاسی و دینی شاعران در برابر ظلم و اشغالگری را بازتاب می‌دهد. هدف پژوهش حاضر، تحلیل و واکاوی مضامین پایداری با محوریت فلسطین در اشعار دوازده شاعر برجسته حوزه مقاومت است تا از این منظر تصویری جامع از دغدغه‌های فکری و جایگاه پایداری در اندیشه این شاعران نسبت به مقاومت فلسطین تبیین گردد.

روش پژوهش: این مقاله بروش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از شیوه سندکاوی و مطالعات کتابخانه‌ای، به بررسی آماری اشعار منتخب با محوریت فلسطین از دوازده شاعر مقاومت پرداخته است. شواهد از مجموعه اشعار این شاعران استخراج و مضامین مرتبط با فلسطین بصورت آماری تحلیل شده است.

یافته‌های پژوهش: یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است که مقاومت در برابر دشمن بیشترین بسامد و جایگاه بنیادین را در اشعار شاعران مورد بررسی دارد. در مرتبه بعدی، جغرافیای فلسطین بعنوان کانون هویتی ایستادگی و همچنین بازنمایی ظلم، اشغالگری و رنجهای انسانی از دیگر مضامینی هستند که در شعر اغلب شاعران انعکاس یافته است.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از این پژوهش نمایانگر این است که اشعار منتخب دوازده شاعر مورد بررسی با محوریت فلسطین، بازتابی روشن از مبارزه و جهاد مستمر، اهمیت محوری فلسطین بعنوان کانون مقاومت جهانی و نقدی صریح بر ظلم و اشغالگری دشمنان است. فلسطین در دیدگاه این شاعران بمثابة کانون محوری ایستادگی در برابر بیعدالتی شناخته میشود و مقاومت، ضرورتی حیاتی جهت حفظ کرامت و هویت انسانی بشمار میرود.

تاریخ دریافت: ۱۴ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ داوری: ۱۵ اسفند ۱۴۰۴

تاریخ اصلاح: ۲۶ اسفند ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۵

کلمات کلیدی:

ادبیات مقاومت، سبک شناسی، سبک فکری، شعر معاصر ایران، فلسطین.

* نویسنده مسئول:

z.nooraee@iaui.ac.ir ✉

☎ (۹۸ ۲۱) +



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Analysis and study of the intellectual style of poets of resistance literature in Iran with a focus on Palestine

K. Zolfaghari, Z. Nouraeinia*, H. Sadri Majd

Department of Persian Language and Literature, YI.C, Shahr-e Ray, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 03 February 2026

Reviewed: 06 March 2026

Revised: 17 March 2026

Accepted: 05 May 2026

KEYWORDS

Resistance literature. Stylistics.
Intellectual style. Contemporary
Iranian poetry. Palestine.

*Corresponding Author

✉ z.nooraie@iaui.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: The literature of resistance and sustainability reflects the social, political, and religious concerns of poets against oppression and occupation. The aim of the present study is to analyze and explore the themes of sustainability with a focus on Palestine in the poems of twelve prominent poets in the field of resistance, in order to explain from this perspective a comprehensive picture of the intellectual concerns and the place of sustainability in the thoughts of these poets regarding the Palestinian resistance.

METHODOLOGY: This article, using a descriptive-analytical approach and utilizing the documentary research method and library studies, has conducted a statistical study of selected poems centered on Palestine from twelve resistance poets. The collection of poems by these poets has been extracted and themes related to Palestine have been statistically analyzed.

FINDINGS: The research findings indicate that resistance against the enemy has the highest frequency and fundamental position in the poems of the poets under study. Next, the geography of Palestine as the center of identity of resistance and also the "representation of oppression, occupation, and human suffering" are other themes that have been reflected in the poetry of most poets.

CONCLUSION: The results of this research show that the selected poems of the twelve poets studied, focusing on Palestine, are a clear reflection of the continuous struggle and jihad, the central importance of Palestine as a center of global resistance, and a clear criticism of the oppression and occupation of enemies. In the view of these poets, Palestine is known as a central center of resistance against injustice, and resistance is considered a vital necessity for preserving human dignity and identity.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8183>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 26	 2	 0

مقدمه

ادبیات مقاومت شاخه‌ای از ادبیات متعهد است که از ویژگیهای اصلی آن هدفمند بودن، تعلیمی بودن و القای آن موضوعی است که مدنظر شاعر میباشد. «این ادبیات قصد دارد بمخاطبان خود بیاموزد که چگونه میتوان در مقابل نظامهای استبدادی ایستاد. این نظریه توجه به تعهد در ادبیات را بشیوهای تازه پیش روی محققان و پژوهشگران قرار میدهد تا مفهوم ادبیات ملتزم از دل آن برآید. مفهومی برخاسته از ادبیات مقاومت و دفاع از منافع و آرمانهای یک ملت ستمدیده و مظلوم در برابر نظامهای استبدادی. ادبیات مقاومت تحت تأثیر شرایطی مانند ظلم و ستم، خفقان، خودکامگی حاکمان، جنگ و اشغال نظامی شکل میگیرد و هدف آن دفاع از کرامت و حیثیت ملت‌هاست» (نعمتی و دیگران، ۱۴۰۱: ص ۵۲). توجه به فلسطین در ادبیات معاصر ایران، بمنابۀ نمادی از مقاومت، عدالتخواهی و هویت‌خواهی بویژه پس از انقلاب اسلامی مورد توجه بسیاری از شاعران قرار گرفته است. شاعران ایرانی با بهره‌گیری از میراث ادبیات آیینی و مقاومت کوشیدند تصویری عمیق و آرمانگرایانه و احساسی از فلسطین ارائه دهند که ریشه در باورهای دینی، تجربه‌های اجتماعی و احساس مسئولیت انسانی دارد (ر.ک ذوالفقاری و دیگران، ۱۴۰۴ الف: ص ۳). آنچه در منابع مکتوب آمده و در مشاهده و بررسی کمی آثار موجود نیز هویداست، مبین همین نکته است که «بخشهای عمده‌ای از هنر اواخر سده بیستم و اوایل سده بیست و یکم، بازتابی از واکنش هنرمندان به ادامه اشغال این سرزمین است» (بهارلو و حسنوند، ۱۳۹۴: ص ۵۹ و ذوالفقاری و دیگران، ۱۴۰۴: ص ۸۱). مسئله اصلی جستار حاضر آن است که با تکیه بر اشعار دوازده نفر از شاعران برجسته ادبیات مقاومت و پایداری، بازتاب موضوع فلسطین را تحلیل کنیم و به این پرسش اساسی پاسخ دهیم که در شعر شاعران ادبیات مقاومت و پایداری در ایران، مظلومیت و مقاومت فلسطین چگونه مطرح شده است و این درونمایه‌ها ذیل چه مؤلفه‌ها و گزاره‌های دسته‌بندی و تفکیک میشوند؟ لازم به ذکر است اسامی شاعرانی که در این مقاله به بررسی موضوع فلسطین در اشعار آنها خواهیم پرداخت، عبارتند از: قیصر امین‌پور، سیمین بهبهانی، سید حسن حسینی، حمید سبزواری، محمدعلی سپانلو، محمداسماعیل شاهرودی، طاهره صفارزاده، علیرضا قزوه، نصرالله مردانی، محمود مشرف آزاد تهرانی، علی معلم دامغانی و علی موسوی گرم‌رودی.

ضرورت، اهمیت و هدف پژوهش

گسترش فشار روزافزون بر ملت مظلوم فلسطین در چند دهه اخیر، سبب گسترش هرچه بیشتر مفهوم مقاومت و پایداری در ادبیات معاصر ایران شده است. در این میان، تحلیل و ارزیابی جلوه‌های گوناگون محتوایی در مجموعه‌ای از اشعار برجسته‌ترین شاعران مقاومت در یک بررسی دقیق و ریزبینانه از اهمیت بسیاری برخوردار است. در اهمیت پرداختن بموضوع پیش روی نکته حائز اهمیت آن است که شاعران مورد بررسی در این پژوهش بمانند حامیان و ناقدان اجتماعی، با انتقاد از وضعیتی که قدرتهای استکبار جهانی برای ملت مظلوم فلسطین پیش آورده‌اند، بنوعی صدای ملت مظلوم در بند مانده فلسطین را بجهانیان میرسانند.

نوآوری پژوهش

وجه تمایز پژوهش حاضر با مطالعات، پژوهشها و مقالات انجام‌شده در آن است که در این تحقیق، تلاش نگارندگان بر آن بود تا با نگاهی فراگیر و دقیق به مجموعه‌ای قابل‌توجه از اشعار دوازده شاعر ادبیات مقاومت در ایران، بارزترین گزاره‌ها و مؤلفه‌های محتوایی توجه به مسئله فلسطین را در قالب دسته‌بندیهای جزئی و قابل اهمیت

مورد توجه قرار دهند تا تصویر و دورنمایی کلی از مسئله فلسطین را در دیدگاه‌های سیاسی این شاعران ترسیم نمایند.

پیشینه پژوهش

در خصوص ادبیات پایداری و مقاومت تاکنون مطالعات و پژوهش‌های مختلفی به انجام رسیده است. نتایج حاصل از بررسی این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بویژه پس از وقوع انقلاب اسلامی، محققان و پژوهشگران بسیاری با موضوع ادبیات مقاومت و متعهد با محوریت فلسطین توجه کرده‌اند؛ در ادامه به اهم پژوهش‌هایی که در خصوص توجه به فلسطین چاپ و منتشر شده‌است اشاره مینماییم.

در کتاب «دانشنامه فلسطین» از مجید صفا تاج، کتاب «فلسطین و شعر معاصر عرب» از خالد سلیمان، کتاب «مقاومت فلسطین از آغاز پیدایش صهیونیسم تا امروز» از علی‌اکبر کسمایی، جلوه‌های گوناگونی از مقاومت فلسطین مورد توجه قرار گرفته است. شرفی در کتابی با عنوان «تطبیق ادبیات پایداری در ایران و فلسطین: تطبیق محتوایی و قالبی ادبیات پایداری در شعر انقلاب اسلامی ایران و فلسطین» کوشش کرده تا با تمرکز بر شناخت مبانی پایداری و مؤلفه‌های مشترک میان ادبیات ایران و فلسطین، تصویری روشن از هم‌پوشانی‌های فکری، فرهنگی و حماسی این دو حوزه ارائه دهد. ترابی در کتابی با عنوان «آشنایی با ادبیات مقاومت جهان»، به شرح ادبیات مقاومت دینی آیینی، ملی بومی، و انسانی جهانی پرداخته است.

ذوالفقاری و دیگران (۱۴۰۴)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی تصویر محتوایی فلسطین در شعر شاعران ایرانی و عراقی» براساس مطالعه تطبیقی در ادبیات پایداری ایران و عراق با محوریت فلسطین، برخی از اهم ویژگی‌های بلاغی را در ساختار محتوایی اشعار چند شاعر معاصر ایرانی و عراقی تحلیل کرده‌اند.

ذوالفقاری و دیگران (۱۴۰۴)، در مقاله «بررسی و تحلیل تصاویر استعاری و تشبیهی در شعر شاعران ادبیات مقاومت ایران تکیه بر موضوع فلسطین» نشان داده‌اند که تصویر بلاغی فلسطین در شعر معاصر ایران از سطح توصیف فراتر رفته و به نمادی بلاغی از مقاومت تبدیل شده‌است و نتیجه گرفته‌اند که در این اشعار تصویر بلاغی استعاره بیشتر از تشبیه مورد توجه قرار گرفته است.

میراحمدی و صابر (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان «جامعه‌شناسی معرفتی ادبیات مقاومت فلسطین» بیان کرده‌اند که مقاومت در جهان معاصر تنها از طریق گزینه‌های نظامی و تفنگ و گلوله نیست، بلکه ابزارهایی مانند ادبیات، شعر و داستان نیز میتواند بگونه‌ای مقاومت باشد. نویسندگان در این مقاله با روش هرمنوتیکی اسکینر و جامعه‌شناسی معرفت با بررسی تاریخ معاصر فلسطین به پیدایی ریشه‌های ادبیات مقاومت پرداخته‌اند.

اهوازیان و نجفی (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «فلسطین در شعر احمد مطر»، بذکر این امر پرداخته‌اند که فلسطین یکی از درونمایه‌های مقاومت و پایداری در شعر مطر است و وی با سروده‌های خویش عمق جراحی را که اشغال فلسطین بر تن وطن ایجاد نموده، را بتصویر کشیده است.

سلیمی و امیری (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی مؤلفه‌های پایداری ایران و فلسطین (مطالعه موردی اشعار نصرالله مردانی و توفیق زتاد)»، به ذکر این مسئله پرداخته‌اند که استفاده از افسانه قدیم ایران و عرب در سروده‌های هر دو شاعر در تبیین موضوع فلسطین، بصورت فراوان یافت میشود.

تک‌تبار فیروزجایی و عادل (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «فلسطین در شعر سیدعلی موسوی گرمارودی و علی فوده»، این مسئله را نشان داده‌اند که هر دو شاعر در سروده‌های خود بر احیای هویت اصیل فلسطین و تثبیت موجودیت تاریخی آن تأکید دارند.

حیدری (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «فلسطین فی شعر الجواهری» به ذکر این مسئله پرداخته که جواهری از مهمترین شاعرانی بشمار میرود که به دفاع از مسئله فلسطین برخاسته، نیرنگ‌های صهیونیسم را افشا کرده و بر ضرورت تلاش بی‌وقفه برای آزادی این سرزمین تأکید نموده است.

رسول‌نژاد و محمدی (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «بازتاب قضیه فلسطین در اشعار محمود درویش و علیرضا قزوه»، این مسئله را نشان داده‌اند که هر دو شاعر با الهام از احساسات شاعرانه خود، اشعاری دلنشین و زیبا ترسیم کرده‌اند و به بیان درد و رنج فلسطینیان به زبان شعر پرداخته‌اند.

روش مطالعه

روش پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و شیوه سندکاوی است. جامعه آماری پژوهش شامل مجموعه اشعار دوازده شاعر برجسته ادبیات پایداری و مقاومت است که در رساله دکتری کیخسرو ذوالفقاری بصورت دقیق و کامل ارزیابی و تحلیل شده‌است، نگارندگان در این جستار با رعایت اختصار و با توجه به گنجایی مقاله، شواهد در حد ذکر نمونه‌هایی بسنده نموده‌اند.

مبانی نظری پژوهش

پیشینه ادبیات مقاومت فلسطین بیش از جنگ جهانی دوم و اشغال سرزمین فلسطین توسط رژیم صهیونیستی بازمی‌گردد. «در این دوره وجه ممیزه آن مبارزه با بیگانگی بود که قیومیت سرزمین آنها را بر عهده داشتند و توسط شاعرانی چون ابراهیم طوقان رهبری میشد» (میراحمدی و صابر، ۱۴۰۱: ص ۱۰۸). ادبیات مقاومت محدود و محصور به شاعران عرب باقی نماند و از این رهگذر، بسیاری از هنرمندان، شاعران و نویسندگان در سراسر جهان از جمله در ایران، ایدئولوژیهای منبعث از مقاومت ملت فلسطین را دستمایه سروده‌ها و نوشته‌های خود ساختند. در ایران، شاعران ادبیات مقاومت از فلسطین و آرمانهای فلسطینیان گفته‌اند. اشعاری که تنها ناله و تضرع نیست بلکه سلاحی است برای متحد ساختن امنیت اسلامی در مقابل تجاوز متجاوزان و اشغالگران، حمایت از مظلوم و نکوهش استبداد تشویق به مبارزه. در ادامه پژوهش این مسئله بتفصیل مورد توجه قرار خواهد گرفت.

تحلیل داده‌ها

توجه به مقاومت و جهاد: توجه به مقاومت و جهاد از مضامینی است که شاعران مورد بررسی اغلب به آن توجه داشته‌اند. این مضمون «شعار ایستادگی و مقاومت در برابر ظلم و ستم و زیاده‌خواهی زورگویان و جباران را سر میدهد» (باوان پوری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱). سپانلو مقاومت فلسطینیان را در بستری از ظلمت، اختناق و فشار روایت میکند و نشان میدهد که چریکها نه تنها با دشمن می‌جنگند، بلکه با تاریکی تاریخی تحمیل شده بر سرزمینشان نیز روبه‌رو هستند. در این شعر چریکها تنها مبارزان امروز نیستند؛ آنان ادامه‌دهنده میراث پیشینیان بشمار می‌روند: «چریکهای عرب شعله بلند به شب می‌برند/ چریکهای عرب از شط سیاه، به مهتاب و ماه مینگرند/ و زیر بدر تمام، در ماه عام/ وقتی سحر کناره گرفته است/ و رستخیز صلا میدهد ز پهنه بحرالمیت/ به کهربای مسین گلوله می‌اندیشند...» (سپانلو، ۱۳۹۲: ص ۳۸۱). سیمین بهیجانی نیز بطور مستقیم با مطرح کردن سوالاتی همچون «گریستی آتش بر قتل عام خونباری» و «کاین افعیان نمیبینی؟» و تشبیه صهیون به دوزخ و جهانخواری، بر لزوم مقاومت در برابر ظلم اشاره میکند:

سارا، گریستی آتش بر قتل عام خونباری
 سارا، بگوی با موسا سودای دین دیگر کن
 سارا بپرس از موسا کاین افعیان نمیبینی ؟
 سارا جنازه‌ها اکنون افتاده بر زمین عریان

صهیون نشان دوزخ شد از شعله‌های نفرینت
 کز ننگ خود جهانخواری داغی نهاده بر دینت
 یا اژدهای افعی کش تن میزند ز تمکینت؟
 برکش کفن _ اگر داری _ از بقچه‌های رنگینت

(بهبهانی، ۱۳۸۴: صص ۷۲۷-۷۲۸)

حمید سبزواری در شعر زیر با بکار بردن عباراتی همانند «خروش جنگیان و زخمیان»، «صفیر تیر و بانگ توپ و جنگ افزارها»، «جانستان»، «جانگزا»، «آتشبارها»، «جولانگه طارها» و ... بر ضرورت و اهمیت مبارزه تأکید میکند:

در هم آمیزد خروش جنگیان و زخمیان
 بر دمن صف بسته جای لاله‌ها، قتاله‌ها
 یک طرف از تانکهای جانستان انبوه‌ها
 ای دریغا سرزمین قدس و آن دارالامان
 خواهی از سر بر فرازی خیز و ایدر بر فراز

با صفیر تیر و بانگ توپ و جنگ افزارها
 بر چمن بنشسته جای ژاله، آتشبارها
 یک طرف از توپهای جانگزا انبارها
 جای ناپاکان شد و جولانگه طارها
 پرچم نصرمن الله بر سر بازارها

(سبزواری، ۱۳۷۶: صص ۶۴۹-۶۴۵)

در دیدگاه سبزواری بیان این عبارت «خواهی از سر بر فرازی خیز و ایدر بر فراز، پرچم نصرمن‌الله بر سر بازارها» بیش از یک دعوت ساده بمقاومت است؛ مفهومی چندلایه دارد که از منظر اجتماعی، دینی و تاریخی قابل تحلیل است. نخست، شاعر مقاومت را در برابر ویرانی و خشونت توصیف‌شده در بخشهای پیشین شعر، بمثابة راهی برای بازسازی هویت جمعی و بازبانی کرامت ملی معرفی میکند. استفاده از تعبیر «نصرمن‌الله» بعد دینی و الهی پایداری را برجسته میسازد. در این معنا، مقاومت تنها کنشی سیاسی نیست، بلکه عملی قدسی و بخشی از جهانبینی عدالت‌خواهانه مردم فلسطین تلقی میشود. قزو از دیگر شاعرانی است که بمقاومت و جهاد در برابر دشمن تأکید داشته است. عناصری مانند «موجی که به او ایست داده‌اند و نایستاد»، «کبوتر که از قبه الصخره نرفت» و «شهیدانی که کم نمیشوند» تصویری از مقاومت و ایستادگی ملت فلسطین ارائه میکند: « متهم، موجی است که به او ایست داده‌اند/ و نایستاد/ متهم، کبوتری است/ که از «قبه الصخره» نرفت... هر شهید ابری است... از شهیدان کم نخواهند شد» (قزو، ۱۳۸۵: ص ۱۳۲).

مشرف آزاد تهرانی با اشاره به گرد باد طوفان که نماد قدرت ویرانگر در برابر دشمن است و نیز اشاره به تقابل آشکار با کسانی که با دشمن همفکر هستند به مضمون مقاومت و جهاد در برابر دشمن توجه دارد: «ما گرد باد طاقی طاعونیم./ این است حکمت ازلی:/ هر که با شماسست،/ برماست» (مشرف آزاد تهرانی، ۱۴۰۲: صص ۱۱۴-۱۱۵). صفار زاده با اعلام قیام و طغیان بر تداوم جهاد تأکید میورزد. او در این شعر لایه‌ای عمیقتر از مقاومت فلسطینی را آشکار میسازد؛ لایه‌ای که ریشه در اخلاق، باورهای معنوی و ارزشهای دینی دارد. او نشان میدهد که مبارزه فقط در میدان نبرد و با اسلحه رخ نمیدهد، بلکه در سطحی درونیت و بنیادیتر جریان دارد؛ جایی که وجدان، ایمان و احساس مسئولیت انسانی نقش تعیین‌کننده پیدا میکند. در این خوانش، مقاومت فلسطینیان نه صرفاً واکنشی سیاسی، نه یک کنش اضطراری در برابر اشغال، بلکه یک انتخاب اخلاقی است؛ انتخابی که از دل تاریخ، فرهنگ و هویت برمیکشد. صفارزاده از طریق تصویرهایی که انسان را با زمین، ایمان و حقیقت پیوند میدهند، نشان میدهد که هر عمل مقاومتی، پیش از آن که حرکتی بیرونی باشد، یک ایستادگی درونی است: ایستادگی بر

سر اصولی همچون عدالت، حرمت انسان، کرامت جمعی و وفاداری به سرزمینی که معنای زندگی را شکل میدهد: «... تو شاهد این شوریدن هستی/ در چهارراه شهادت/ و در کنار نسل شهیدان/ بر پا ستاده‌ای/ ... از چار راه شهادت برمیخیزیم/ بر میخیزیم/ و از نهاد سنگر ایمان/ بسوی دشمن دیرینه/ دوباره حمله می‌آغازیم» (صفرزاده، ۱۳۹۱: ۳۳۹-۳۴۱). اشاره شاعر به «برخاستن از چهارراه شهادت» و «آغاز دوباره حمله» نشان میدهد که مقاومت در نگاه او یک واکنش لحظه‌ای یا احساسی نیست، بلکه حرکتی پیوسته، سازمان‌یافته و ریشه‌دار است. این تصاویر شعری، پایداری مردم فلسطین را در بستری از تداوم رنج و تجربه تاریخی نشان میدهد؛ جایی که هر شهادت نه پایان راه، بلکه نقطه عزیمت برای مرحله‌ای تازه از مبارزه است.

شاهروندی با اشاره به «تو - برادر»، نشان میدهد که هر فرد فلسطینی در میدان مقاومت نقش دارد و کنشهای شخصی میتواند بیانگر هویت جمعی و مبارزه ملت باشد. این بیان نمادین، پیوند فرد و جامعه را در مسیر مقاومت و جهاد مردم فلسطین برجسته میکند: «و این چنین تو نیز - برادر/ فریاد ملتی را، آن روز» (شاهروندی، ۱۳۹۰: ص ۵). مردانی نیز با اشاره به «دلاور صبح» و هجوم شمشیر بر مقاومت اشاره دارد:

بیار مرهم نورانی ای دلاور صبح که زخم کهنه ما از هجوم شمشیر است
(مردانی، ۱۳۶۴: ص ۵۶)

عبارت «در پیش روی دشمن» در شعر زیر از گرمارودی تأکیدی روشن بر مفهوم مقاومت فعال و مبارزه‌جویانه دارد و نشان میدهد که ایستادگی در برابر ظلم تنها یک واکنش منفعلانه نیست، بلکه اقدامی هدفمند و آگاهانه است. این بخش از شعر، آمادگی و اراده مردم را برای مقابله با تجاوز و سرکوب به تصویر میکشد و بر اهمیت پایداری و شجاعت در شرایط دشوار تأکید می‌ورزد: «من اهل قدس، اهل فلسطینم/ در دستهای کوچک من سنگ، بر دوش یک فلاخن سنگ‌افکن/ در دل هوای جنگ/ در پیش روی دشمن» (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۳: ص ۳۰۴). موسوی گرمارودی در این شعر با اشاره به «سنگ» که نماد مقاومت مردمی و استفاده از ابزار ساده برای جهاد در برابر دشمن است، به اهمیت مقاومت و جهاد می‌پردازد: «... در دستهای کوچک من سنگ، بر دوش یک فلاخن سنگ‌افکن/ در دل هوای جنگ/ در پیش روی دشمن» (همان: ص ۳۰۴).

معلم دامغانی در بیت «پخته بایست اگر ملک سالار / این به ره سوخته سوت خام است» بمقاومت و پایداری و آگاهی و انسجام توجه کرده است. شاعر با اشاره به ضعف و تهی بودن دشمن، میخواهد تأکید کند که قدرت ظاهری و ادعایی اشغالگران نباید موجب ناامیدی و ترس شود؛ بلکه ملت فلسطین باید با هوشیاری، صبر و همبستگی، مسیر مقاومت را ادامه دهد:

پخته بایست اگر ملک سالار این به ره سوخته سوت خام است
(معلم دامغانی، ۱۳۹۲: ص ۵۶)

جغرافیای فلسطین بعنوان بستر هویتی ایستادگی

امروزه فلسطین بعنوان مرکز و کانون ایستادگی شناخته میشود و «اولین، مرتفعترین، طولانیترین و مهمترین خاکریز شعر پایداری و مقاومت اسلامی، آرمان‌رهایی قدس بعنوان اولین قبیله مسلمانان است» (کریمی‌نیا، ۱۳۹۹: ص ۷۴). بر این اساس سرزمین فلسطین در شعر شاعران حوزه مقاومت بستری هویتی برای ایستادگی و مقاومت در برابر ظلم بشمار می‌آید. اشاره سپانلو به «شط سیاه»، «بحرالمیت»، «صحرا»، «شنزار» و «رمال صحاری» در شعر زیر نشان‌دهنده بستر جغرافیایی مبارزه است که هویت مبارزان را شکل میدهد. این مضامین فلسطین را بمثابة صحنه اصلی مبارزه بازنمایی میکنند. این نشانه‌ها تنها عناصر طبیعی نیستند، بلکه حامل هویت

تاریخی و سرزمینی ملت فلسطین‌اند: «چریک‌های عرب از شط سیاه، به مهتاب و ماه مینگرند/... و رستخیز صلا میدهد ز پهنه بحرالْمیت/... و چون مهندسی صحرا مردانه‌اند/... گلی سیاه به شنزار/... چریک‌های عرب آری در رمال صحاری/ در شط سیاه در مهالک راه...» (سپانلو، ۱۳۹۲: ص ۳۸۱). سیمین بهبهانی نیز با اشاره به «فلسطین» به سرزمین فلسطین بعنوان بستری هویتی برای مبارزه و ایستادگی توجه داشته است:

با قوم خود بگو سارا، هرگز نبوده تا امروز
یک لحظه خشم و بیزاری با مردم فلسطینت
(بهبهانی، ۱۳۸۴: صص ۷۲۷-۷۲۸)

سبزواری به «مأمن پیغمبران راستین»، «سرزمین قدس»، «دارالامان»، «وادی ایمن»، «خطه پاکی»، «طور سینا» و «سرزمینی را که ایزد تاج»، اشاره میکند که نشان‌دهنده توجه و تأکید شاعر به فلسطین بعنوان سرزمین ایستادگی در برابر ظلم است:

ای دریغا مأمن پیغمبران راستین	مکمن اهریمنان شد، مسند جبارها
ای دریغا سرزمین قدس و آن دارالامان	جای ناپاکان شد و جولانگه طراره
ای دریغا وادی ایمن که در آن نیست کس	ایمن از آسیبها، آشوبها، کشتارها
ای دریغا خطه پاکی که نوزش هست یاد	لیلہ الاسرا و آن هنگامه و هنجارها
طور سینا جلوه گاه نور یزدان بود و حال	از جفا مجلای دزدان گشت و خلق آزارها

(سبزواری، ۱۳۷۶: صص ۶۴۹-۶۴۵).

کافر سلم قدس شریف است	شرک و شر رسم این بد حریف است
غافل است اینکه قدس مقدس	جز مقام خدای جهان نیست
شهر صلح براهیمیان است	فارغ از وهم سود و زیان است
چون فضا و فلک جاودانه	بی‌کرانه است اگر بی کران نیست
قدس اسلام و ملک مشاع است	برتر از مرده‌ریگ و متاع است
شهر توحیدی پاک ادیان	مال موروثی این و آن نیست؟! (معلم دامغانی، ۱۳۹۲: ص ۵۶)

قزوه نیز به زخمی بودن سرزمین «قدس» اشاره دارد: «سیدی زخمی است اینک قدس/ و خبرها همچنان خون/ دردها سنگین...» (قزوه، ۱۳۸۵: ص ۱۳۲). شاهرودی با بیان «هرم ریگزارهای فلسطین» سرزمین فلسطین و بستر هویتی آن را مورد توجه قرار داده است: «در هُرم ریگزارهای فلسطین/ حتم از/ فردا/ افسردگی را برمی‌گیرد...» (شاهرودی، ۱۳۹۰: ص ۵). در شعر زیر جمله «من اهل قدس، اهل فلسطینم» گرچه بیانگر هویت جغرافیایی گرمارودی نیست- چرا که او ایرانی است- اما بروشنی نشان‌دهنده همدلی عمیق و همراهی او با فلسطین بعنوان سرزمین مبارزه و ایستادگی است: «من اهل قدس، اهل فلسطینم/ در دستهای کوچک من سنگ، بر دوش یک فلاخن سنگ‌افکن/ در دل هوای جنگ/ در پیش روی دشمن» (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۳: ص ۳۰۴). حسینی نیز با اشاره به «کسانی که از عرصه بلا میگذرند» و «رهایی قدس از بند بیداد» به این مضمون اشاره دارد:

اینان که ز عرصه بلا میگذرند	با زمزمه سرود لا میگذرند
تا قدس رها ز بند بیداد شود	از معبر سرخ کربلا میگذرد

(حسینی، ۱۳۸۷: ص ۱۴۹)

بازنمایی ظلم و اشغالگری

ظلم و اشغالگری ملت‌های ستمدیده‌ای همچون فلسطین، نتیجه استبداد ظالمان زمان است و وظیفه شاعران محور مقاومت و پایداری این است که مفهوم ظلم و اشغالگری ظالمان را در شعر خود منعکس نمایند و فریاد ملت‌های مظلوم و ستمدیده را بگوش جهان برسانند و نوعی مقابله جهانی فراگیر را در برابر ظلم و ستم موجود ایجاد نمایند (ر.ک. باوان‌پوری و دیگران، ۱۳۹۷: ص ۲). سپانلو با اشاره به سطرهای زیر خشونت، سلطه و ستم ساختاری را بازنمایی میکند: «سنت کهن مردمی، در انقیاد نامردمان می‌اندیشد/ بشیوه‌های صحی آدمخواری/ به حق‌جانبی دژخیم...» (سپانلو، ۱۳۹۲: ص ۳۸۱). بهبهانی هم با بیان «قتل عام»، «جنازه‌ها» و «داغ جهانخواری» در شعر زیر به ظلم و اشغالگری دشمن توجه داشته است:

سارا، گریستی آتش بر قتل عام خونباری	صهیون نشان دوزخ شد از شعله‌های نفرینت
سارا، بگوی با موسا سودای دین دیگر کن	کز ننگ خود جهانخواری داغی نهاده بر دینت
سارا بپرس از موسا کاین افعیان نمیبینی ؟	یا ازدهای افعی‌کش تن میزند ز تمکینت؟
سارا جنازه‌ها اکنون افتاده بر زمین عریان	برکش کفن _ اگر داری _ از بقچه‌های رنگینت

(بهبهانی، ۱۳۸۴: ۷۲۷-۷۲۸)

اشاره قزوه به اشغال «قبة الصخره» و محاکمه درختان که اشاره به ستم بر مظلوم است در شعر زیر نیز بنوعی بازنمایی ظلم است. شعر با آوردن عناصر طبیعی - درخت سیب، پرتقال و زیتون - آغاز میشود و این عناصر بعنوان «متهم» در دادگاه رسمی معرفی میشوند. این تصویر نشان‌دهنده بیعدالتی نظامی و اشغالگری است: «از یک دادگاه رسمی/ درخت سیب را می‌آورند/ با دستبند/ جرمش این بود که سیبهایش را/ چون سنگ/ پرتاب کرده بود/ درخت پرتقال را می‌آورند/ جرمش این بود که چرا... که از «قبة الصخره» نرفت...» (قزوه، ۱۳۸۵: ص ۱۳۲). مشرف آزاد تهرانی با اشاره به واژگانی چون «زهرشکن» و «چهره‌های دهشت» که خشونت و ستم را تداعی میکند و نیز اشاره به شکستن مسیح که نمودار استبداد فرهنگی است به مسئله ظلم و ستم اشاره دارد و اشعار «مرگ ستوه‌مند روان شده» و «آوارگان دعای عزیمت می‌خواهند» نشان‌دهنده پیامدهای انسانی اشغال است: «بر برکه‌های خشک اساطیری مرگ ستوه‌مند روان شده/ صدها زره شکن در دشتهای عمان/ سد فلق شکسته‌اند/ و نعره طاقی طاعونی/ از نجد میدرند/ دیواره‌های خاکی عزلت را/ اهرام میشکافند و چهره‌های دهشت/ دست از هزار سوی برآورده‌اند / آوارگان دعای عزیمت می‌خواهند/ گویا مسیح را / برتپه‌ای شکستید» (مشرف آزاد تهرانی، ۱۴۰۲: صص ۱۱۴-۱۱۵).

در این شعر آزاد تهرانی با تصویری از «سد فلق شکسته»، «دیوارهای خاکی عزلت» و «چهره‌های دهشت» اشغال و ویرانی سرزمین فلسطین را بشکل نمادین و ملموس بازنمایی میکند. شاعر با بکارگیری واژگانی چون «نعره طاقی طاعونی» و «اهرام میشکافند»، حس فاجعه و تخریب زیر ساختهای زندگی و محیط زیست فلسطینیان را منتقل میکند. این بخش نشان میدهد که اشغال نظامی نه تنها خشونت فیزیکی ایجاد کرده، بلکه با تحمیل ارباب و نابودی نمادهای تاریخی و فرهنگی، هویت ملی و روح جمعی فلسطینیان را نیز هدف قرار داده است. سبزواری با تمرکز بر این تصاویر «آهن و سرب است ریزان بر در و دیوارها» و «آتش و دود است خیزان از سر بازارها»، تجربه تاریخی و ملموس اشغالگری را ثبت میکند:

آهن و سرب است ریزان بر در و دیوارها آتش و دود است خیزان از سر بازارها
(سبزواری، ۱۳۷۶: صص ۶۴۹-۶۴۵)

صفارزاده با تصویر رگهای کشیده از درد و ریشه، تجربه ظلم و اشغالگری را بازنمایی میکند و مخاطب را به درک شدت و وسعت محرومیت و آسیبهای ناشی از اشغالگری سوق میدهد: «رگهایمان کشیده میشود از درد/ رگهایمان کشیده میشود از ریشه...» (صفارزاده، ۱۳۹۱: صص ۳۳۹-۳۴۱). معلم با ترکیبهای تصویری همچون «شغال»، «کفتار شوریده» و «بیر بنگال و شیر دمان نیست» در برابر «راسوی کور و روباه لنگی» تضاد بین قدرت واقعی و پوچ سلطه‌گران و ظالمان را نشان میدهد. در این چارچوب، فلسطین بعنوان سرزمینی تحت ظلم و ستم و اشغال، با وجود ضعفهای دشمن، همچنان مقاوم و زنده باقی مانده ترسیم شده است. عبارات «اهل سوقة است و سود است و سودا» و «فارغ از حکمت بود و بود» نشان از حاکمان و ستمگرانی است که تنها بدنبال منافع شخصی و قدرت‌اندیشی هستند و هیچ پایبندی به اخلاق، عدالت یا دین ندارند. شاعر نشان میدهد که این رفتارها بخشی از یک سازوکار ساختاری و سیستماتیک است که بر ظلم و استثمار تکیه دارد و به اشغالگری و تسلط بر دیگران منجر میشود. این دیدگاه، هم‌زاد مفهوم مقاومت فلسطین است، چرا که ملت فلسطین در برابر چنین نظامهای سلطه‌جویی ایستادگی میکند و مبارزه‌اش تنها واکنشی فردی نیست، بلکه پاسخی به یک ساختار ناعادلانه و پایدار است:

برشده	بر	بلندی	شغالی	است	شبه	کفتار	شوریده	حالی	است
راسوی کور	و	روباه	لنگی	است	بیر	بنگال	و	شیر	دمان نیست...
اهل سوقة است	و	سود است	و	سودا	فارغ	از	حکمت	بود	و بودا

(معلم دامغانی، ۱۳۹۲: ص ۵۶)

امین‌پور با بکارگیری تصاویر «انتهای کوچه شب»، «خیره‌گی قوم به تصویر پنجره» و «شیون باران و خشم باد» فضایی از تاریکی و ظلم را بتصویر میکشد که نشان‌دهنده محدودیتها و محاصره‌ای است که ستمدیدگان فلسطینی سالها با آن مواجه بوده‌اند. این تصویر، نه تنها وضعیت فیزیکی سرزمین تحت اشغال را منتقل میکند، بلکه ابعاد روانی و جمعی ستمدیدگی را نیز آشکار می‌سازد؛ مردمی که در انتظار امید و آزادی هستند، اما چشم‌انداز روشنی از آینده نمی‌بینند و در بن‌بست ظلم و تاریکی و اشغال دشمن گرفتار شده‌اند:

در	انتهای کوچه شب	زیر پنجره	این	قومی	نشسته	خیره	به	تصویر	پنجره
سوی شیشه،	شیون باران	و	خشم باد	در	پشت	شیشه	بغض	گلوگیر	پنجره

(امین‌پور، ۱۳۷۲: ص ۸۰)

مردانی با اشاره بتصویر «دلگیر بودن پاییز»، «چشم پنجره»، «زخم کهنه»، «هجوم شمشیر» و «در زنجیر بودن پای عزیزان» نشان میدهد که جهان از نگاه مردم فلسطین رنگ غم، ظلم و اشغال بخود گرفته است. عباراتی همچون «زمین خواب سرخ می‌بیند» و «طلیعه خون» نمادی از فراخوانی گسترده بمقاومت و هوشیاری نسل‌های جدید در برابر اشغال و ظلم هستند:

به چشم پنجره	پاییز	عشق	دلگیر	است	بدست	و	پای عزیزان	هنوز	زنجیر	است
بیار	مرهم	نورانی	ای	دلاور	صبح	که	زخم	کهنه	ما	از
بخوان	ترانه	غم	با	پرنده‌های	غریب	که	دل	ز	شکلک	پوشالی
زمین	بمحور	خود	خواب	سرخ	می‌بیند	یقین	طلیعه	خون	در	سپیده

(مردانی، ۱۳۶۴: ص ۵۶)

بازنمایی رنج، خشونت و فاجعه انسانی

انعکاس رنج، خشونت و فاجعه در فلسطین، کانون توجه در شعر شاعران مورد بررسی است. یکی از عوامل رنج و خشونت در مسئله فلسطین محرومیت از حقوق بشر بعنوان یکی از عوامل درد و رنج انسانهاست (رک گرجی، ۱۳۸۷: ص ۱۲۰). مشرف آزاد تهرانی با اشاره به «خیمه‌های خاکستر» و «خون بیامیزید» رنج، خشونت و فاجعه انسانی را تصویر میکشد: «با خون بیامیزید/ هان بردگان تاریخ / ... و خیمه‌های موهش خاکستر...» (مشرف آزاد تهرانی، ۱۴۰۲: صص ۱۱۴-۱۱۵). سیمین بهبهانی با تمرکز بر تصویر اجساد عریان و خرابیهای ناشی از جنگ، مخاطب را با واقعیت غیرقابل انکار خشونت و ظلم مواجه میکند. بیان «اجساد عریان» نمادی از بینباهی قربانیان است و تأکید میکند که هیچ ترفند یا پوشش ظاهری نمیتواند واقعیت خون و درد مردم را پنهان کند. ویرانیه‌ها و صحنه‌های دردناک بنوعی هشدار اخلاقی و اجتماعی نیز تبدیل میشوند:

سارا جنازه‌ها اکنون افتاده بر زمین عریان
برکش کفن _ اگر داری _ از بقچه‌های رنگینت
(بهبهانی، ۱۳۸۴: ص ۷۲۸)

سپانلو فهرستی بلند از رنج‌ها ارائه میدهد: «خون، آتش، زندان، سنگ، خار، باران». این عناصر دلالت بر خشونت ساختاری و تاریخی دارند که بر مردم فلسطین تحمیل شده است. چریک‌ها با آگاهی کامل از این هزینه‌ها، پا بمیدان میگذارند و مبارزه را انتخاب میکنند؛ شاعر نشان میدهد که هزینه مقاومت بسیار بالاست، اما ارزش رهایی و شرافت انسانی بالاتر از هر رنجی است. او با اشاره به گرد نقره‌ای استخوانها به خشونت و فاجعه انسانی توجه دارد: «به خون و آتش و زندان به سنگ و خار و باران میدهند... گرد نقره‌ی استخوانهایی را/ که در نبرد خلق پوسید...» (سپانلو، ۱۳۹۲: ص ۳۸۱). سبزواری با عبارت «آهن و سرب است ریزان بر در و دیوارها» و «آتش و دود است خیزان از سر بازارها» ابعاد خشونت علیه مردم فلسطین را تصویر میکشد:

آهن و سرب است ریزان بر در و دیوارها
آتش و دود است خیزان از سر بازارها
(سبزواری، ۱۳۷۶: صص ۶۴۹-۶۴۵)

صفارزاده نشان میدهد که رنج فلسطینیان صرفاً یک تجربه فردی نیست، بلکه بخشی از تاریخ جمعی آنهاست. این رنج تاریخی، با تأکید بر کشیدگی رگها و گسترده‌ی زمینگونه انسانها، هویت ملی و تاریخی فلسطینیان را برجسته میکند: «رگهایمان کشیده میشود از درد/ رگهایمان کشیده میشود از ریشه / در بیکرانه‌ترین هجران/ تو آسمان‌گونه شکافتی/ و ما زمین‌گونه/ گسترده‌تر شدیم» (صفارزاده، ۱۳۹۱: صص ۳۳۹-۳۴۱). امین‌پور با به‌کارگیری تضاد میان «شیون باران و خشم باد» در فضای بیرونی و «بغض گلوگیر پنجره» پشت شیشه، بخشونت عینی و آشکار نیروهای سلطه‌گر اشاره میکند؛ نمایش مستقیم و ملموس ظلم، حمله و نابسامانی محیطی که هر روز زندگی مردم را تهدید میکند. این تصاویر بیانگر خشونت رنج و فاجعه انسانی است که بر سرزمین و مردم فلسطین وارد میشود:

سوی شیشه، شیون باران و خشم باد
قومی نشسته خیره به تصویر پنجره
(امین‌پور، ۱۳۷۲: ص ۸۰)

نقد جهان‌خواهی و زیاده‌خواهی

انتقاد از زیاده‌خواهی و جهان‌خواهی حاکمان ظالم و مستبد از مفاهیم پرتکرار در شعر شاعران پایداری است. جهان‌خواهی در شعر شاعران مقاومت فلسطین بمعنای ظلم و ستم ملت‌های زیاده‌خواه بر مردم مظلوم فلسطین است. قزوه با پرداختن به دادگاه محاکمه درختان بعنوان نوعی غصب و انتقاد از صهیونیسم به نقد جهان‌خواهی و زیاده‌خواهی اشاره دارد: «دادگاه رسمی است/ متهم، موجی است که به او ایست داده‌اند/ و نایستاد/ متهم، کبوتری

است...» (قزوه، ۱۳۸۵:ص ۱۳۲). مشرف آزاد تهرانی نیز با نقد پول و سرمایه‌داری و زیاده‌خواهی و سلطه‌گری در اشاره به «دلارهایت‌ان را بشمرید» و «کیسه‌های زر» به این مضمون در شعر خود توجه دارد: «اکنون دلارهایت‌ان را بشمرید/ و کیسه‌های زر را در وادی حصین...» (مشرف آزاد تهرانی، ۱۴۰۲:صص ۱۱۴-۱۱۵). معلم دامغانی با آوردن عبارات «فارغ از وهم سود و زیان است» و «مال موروئی این و آن نیست» بر این که سرزمین قدس نباید به صحنه‌ای برای رقابت‌های قدرت‌طلبانه و منافع شخصی یا گروهی تبدیل شود، تأکید می‌ورزد. شاعر می‌خواهد نشان دهد که هرگونه ادعای مالکیت بر سرزمین، اگر بر پایه زور، غارت یا سلطه‌جویی باشد، نادرست و ناعادلانه است و ماهیت حقیقی و مقدس قدس را خدشه‌دار می‌کند. این نگاه بطور ضمنی استعمارگری و زیاده‌خواهی تاریخی قدرتها را نقد نموده و هشدار می‌دهد که اعمال نفوذ و بهره‌برداری خودسرانه از سرزمینهای مقدس، نه تنها عدالت و اخلاق را نقض می‌کند، بلکه زمینه‌ساز رنج و مقاومت جمعی مردم نیز خواهد شد:

شهر صلح براهیمیان است فارغ از وهم سود و زیان است...
شهر توحیدی پاک ادیان مال موروئی این و آن نیست؟!
(معلم دامغانی، ۱۳۹۲:ص ۵۶)

بهبهانی با اشاره به «نشان دوزخ» برای صهیونیسم، تصویری از قدرتی سلطه‌جو و بیرحم ارائه می‌دهد که مرز میان حق و باطل را از بین برده و خشونت را به یک امر نظام‌مند تبدیل کرده است. با برجسته کردن «جهان‌خواری و سلطه‌طلبی»، شاعر تأکید می‌کند که دین و معنویت، زمانیکه در خدمت منافع قدرت‌طلبانه قرار گیرند، می‌توانند ابزار سرکوب و ظلم شوند و دیگر از ارزشهای اخلاقی و انسانی فاصله می‌گیرند:

سارا، گریستی آتش بر قتل عام خونباری صهیون نشان دوزخ شد از شعله‌های نفرینت
سارا، بگوی با موسا سودای دین دیگر کن کز ننگ خود جهان‌خواری داغی نهاده بر دینت
(بهبهانی، ۱۳۸۴:صص ۷۲۷-۷۲۸)

سبزواری با اشاره به «جای ناپاکان شد و جولانگه طرارها»، «در کف جادوگران افتاد و افسون کارها»، «مسند جبارها»، «تیره کفتارها»، «نقش استعمار از طغرای استعمارها»، «پرده تزویر از سیمای دشمن یارها»، «از مغز این بیمارها» بشدت به نقد استعمار و جهان‌خواری اشاره دارد:

نی دگر آهو به دشت و نی دگر پازن به کوه کوه و هامون شد به کام تیره ی کفتارها...
ای دریغا مأمن پیغمبران راستین مکمن اهریمنان شد، مسند جبارها
ای دریغا سرزمین قدس و آن دارالامان جای ناپاکان شد و جولانگه طرارها
ای دریغا آن سلیمانی نگین کز دور چرخ در کف جادوگران افتاد و افسون کارها...
قائمی باید که بزدايد به حکم ایزدی نقش استعمار از طغرای استعمارها...
رشته ی فکرت مده در دست هر دیوانه‌ای جز بلا هرگز نژاد از مغز این بیمارها
(سبزواری، ۱۳۷۶:صص ۶۴۹-۶۴۵)

پیوند تاریخ، دین و مقاومت

تاریخ، دین و مقاومت از گذشته‌های دور تاکنون با هم پیوند تنگاتنگی داشته‌اند. تأثیر متقابل تاریخ و دین با مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم انکارناپذیر است. پایداری در برابر ستم در حوزه اهل ایمان، نهادی اعتقادی و نیز یک اصل تکلیفی است (ر.ک حکیمی، ۱۳۵۰:صص ۲۳۹ - ۲۴۵). قزوه با نام بردن از داوود، یحیی، یوسف و قبه‌الصخره به پیوند تاریخ، دین و مقاومت تأکید می‌کند: «ای دریغا نام داوود/ ای دریغ‌تر ستاره/ ای دریغا ماه/

قدس، خون یحیی در دل تشت است/ قصه یوسف درون چاه... « (قزوه، ۱۳۸۵: ص ۱۳۲). مشرف آزاد تهرانی شاعر با اشاره به «خیمه‌های موهش» و شخصیت‌های تاریخی و دینی مانند محمد(ص) و مسیح (ع)، مقاومت فلسطین را با تاریخ و فرهنگ پیوند می‌دهد: «قبة الصخره نرفت / ... گویا مسیح را / برتپه‌ای شکستید/ و خیمه‌های موهش خاکستر/ بر پیکر محمد افشاندید» (مشرف آزاد تهرانی، ۱۴۰۲: ۱۱۴-۱۱۵).

ابعاد انسانی، تاریخی و فرهنگی مقاومت

مقاومت بمعنای ایستادگی و پایداری در برابر هر گونه ظلم و ستمگری به همه انسانهاست. مقاومت با ابعاد انسانی، تاریخی و فرهنگی تصویرگر پایداری مردم برای حفظ هویت، ارزشها و تاریخ است. چنین مقاومتی علاوه بر آنکه در برابر تهدیدهای بیرونی ایستادگی میکند، در پاسداری از انسانیت و هویت فرهنگی و معنوی نیز نقش مؤثری ایفا مینماید. مقاومت، تنها واکنشی لحظه‌ای و پاسخی نظامی به اشغالگری نیست، بلکه جلوه‌ای از حفاظت جمعی یک ملت از معنا، ریشه و هویت خویش است؛ هویتی که طی قرن‌ها با سرزمین، ایمان، تاریخ پیامبران و حافظه نسلها گره خورده است. در این تصویر، مقاومت نوعی نبرد برای حفظ انسانیت نیز هست. صفارزاده با برجسته کردن نقش مادران، کودکان، شهیدان، آوارگان و حتی اشیای مقدس و مکانها، نشان میدهد که این مبارزه، مبارزه یک «ملت کامل» است؛ ملتی که فرهنگش، زبانش، خانه‌هایش و باورهایش همگی زیر فشار نابودی قرار گرفته‌اند. از این رو دفاع از سرزمین، در اصل دفاع از «هستی» است؛ هستی فردی و جمعی، تاریخی و معنوی. شاعر همزمان به این نکته اشاره میکند که این مقاومت حامل یک میراث فرهنگی و اخلاقی نیز هست. نسلهای جدید در ادامه نسلهای پیشین می‌ایستند و روایت مقاومت را در شکلهای تازه، در زبان و شعر و تصویر و حتی رسانه‌های مدرن ادامه میدهند:

«در چهارراه شهادت/ و در کنار نسل شهیدان/ بر پا ستاده‌ای و سوگواری ما را میبینی/ عظیمترین/ عاشقانه‌ترین/ در عاشقانه‌ترین هجران/ رگهایمان کشیده میشود از درد/ رگهایمان کشیده میشود از ریشه/ بسوی تو/ بسوی زمین/ به سوی وسوسه نابودن/ بسوی همدگر و بودن/ و این کشش زمینی نیست/ و این کشش زمینی نیست/ تو در نهایت وصلی با ناپیدا/ و در نهایت مهری با ما... « (صفارزاده، ۱۳۹۱: صص ۳۳۹-۳۴۱). قزوه نیز با اشاره به «سدره‌المنتهی»، «معراج»، «یحیی» و «یوسف» بر ابعاد انسانی، تاریخی و دینی مقاومت تأکید می‌ورزد: «متهم، درخت «سدره‌المنتهی» است/ و جاده‌ای که به معراج ختم میشود/ ... ای دریغا ماه/ قدس، خون یحیی در دل تشت است/ قصه یوسف درون چاه... « (قزوه، ۱۳۸۵: ص ۱۳۲).

اسطوره‌سازی از مرگ و رستاخیز مبارزان

در ترسیم اسطوره میتوان گفت که اسطوره همیشه متضمن روایت یک خلقت است «یعنی میگوید چگونه چیزی پدید آمده موجود شده و هستی خود را آغاز کرده است. اسطوره فقط از چیزی که واقعاً روی داده و به تمامی پدیدار گشته سخن می‌گوید. شخصیت‌های اسطوره موجوداتی خارق‌العاده هستند، آن‌ها شناخته شده‌اند زیرا در زمانهای پرشکوه سرآغازها دست به اعمالی خاص زده‌اند» (الیاده، ۱۳۶۲: ص ۱۴). سپانلو مرگ چریکها را با زبان اسطوره‌ای نشان میدهد؛ از «استخوانهایی که در نبرد پوسید» تا «گرد نقره‌ای» که آنها را در هوا رها میکند. این تصویرها نشان میدهند که مرگ، پایان نیست؛ بلکه آغازی برای تولد نمادین و ادامه مقاومت است: «و ارمغان هوا میکنند/ گرد نقره‌ی استخوانهایی را/ که در نبرد خلق پوسید» (سپانلو، ۱۳۹۲: ص ۳۸۱). قزوه در شعر زیر با بیان

به «هر شهید ابری است» و «تمام مادران جنینشان فرزندان خواهد شد» به باززایی و تداوم شهیدان و مضمون اسطوره‌سازی و رستاخیز مبارزان اشاره دارد: «و تمام مادران که جنینشان/ فرزندان خواهد شد/ سنگ دردست/ هر شهید ابری است/ بار دیگر نیز میگویم/ این ستاره‌های شش پر/ در مسیر ماه/ چون مین‌اند...» (قزوه، ۱۳۸۵: ص ۱۳۲).

آزادی و رهایی

امید به رهایی و آزادی از جمله مضامین دیگری است که در شعر شاعران مقاومت تجلی یافته است. میتوان گفت که «در ادبیات پایداری همه ملتها، نوید و امید به پیروزی همواره هست» (سنگری، ۱۳۸۹: ص ۷۵). مردانی با بیان «دلاور صبح» به رهبران مقاومت و نیروهای آزادی‌خواه فلسطین اشاره دارد. وی از آنان میخواهد مرهم نورانی باشند. این بیان، امید به رهایی و اعتماد به جهاد و مقاومت را برجسته میکند؛ در جهانی که زخم کهنه اشغال هنوز پابرجاست. در ساختار نمادین شعر مقاومت فلسطین، خون شهدا با سپیده مقایسه میشود؛ به این معنا که شهادت، نه تنها پایان زندگی فرد نیست، بلکه مقدمه‌ای برای تولد آزادی و روشنائی است. این دیدگاه نشان میدهد که رنج و فداکاری فلسطینیان، زمینه‌ساز بازتولید امید و پایداری در جامعه‌شان است و مقاومت آنان را به یک فرآیند تاریخی و ماندگار تبدیل میکند. شاعر با این تصویر، مرگ را نه بعنوان سقوط، بلکه بعنوان نیرو و شکوفایی میبیند؛ پیکر شهید با خاک آمیخته میشود، خاک گندم میروید و گندم قوت مردم میگردد. این چرخه نشان میدهد که مقاومت فلسطینیان از دل رنج و قربانی شکل میگیرد و شهادت آنها عاملی برای استمرار مبارزه و شکلگیری هویت جمعی است. همچنین، این مفهوم، پیام اخلاقی و انگیزشی قوی دارد: خون هر شهید نه پایان، بلکه سرآغاز امید و بازتولید عدالت است. از این منظر، شعر مقاومت فلسطین بعنوان وسیله‌ای برای ثبت تاریخ مبارزه، تقویت وحدت جمعی و تأکید بر ارزش فداکاری در راه آزادی عمل میکند و مخاطب را با نقش حیاتی مشارکت و ایستادگی آگاه میسازد:

بچشم پنجره پاییز عشق دلگیر است	بدست و پای عزیزان هنوز زنجیر است
بیار مرهم نورانی ای دلاور صبح	که زخم کهنه ما از هجوم شمشیر است
بخوان ترانه غم با پرنده‌های غریب	که دل ز شکلک پوشالی جهان سیر است
زمین به محور خود خواب سرخ میبیند	یقین طلوعه خون در سپیده تعبیر است

(مردانی، ۱۳۶۴: ص ۵۶)

امین‌پور با تصویر «خواب دیدن دیوار شیشه‌ای» وضعیت آرزوهای ناتمام و رؤیاهای ذهنی مردم فلسطین برای آزادی و رهایی را تصویر میکند؛ رؤیاهایی که محدود و محصور به ذهنیت فردی یا جمعی‌اند و هنوز به عمل و کنش واقعی تبدیل نشده‌اند. در مقابل، رسیدن به «تعبیر پنجره» نمادی از عبور از این مرحله صرف رؤیایی به مرحله‌ای فعال و هدفمند است؛ مرحله‌ای که در آن آرزوهای جمعی با آگاهی تاریخی و فهم واقعی شرایط اشغال، به اراده‌ای ملموس برای رهایی و آزادی بدل میشوند:

ما خواب دیده‌ایم که دیوار شیشه‌ای است	اینک رسیده‌ایم به تعبیر پنجره
تا آفتاب را بغنیمت بیاوریم	یک ذره راه مانده به تسخیر پنجره
جز با کلید ناخن ما و نمیشود	قفل بزرگ بسته به زنجیر پنجره

(امین‌پور، ۱۳۷۲: ص ۸۰)

قزوه در شعر زیر با وجود بازنمایی ظلم، خشونت و خونریزی، با اشاره بعناصر طبیعی بارنده، ابر و باران و تداوم

شهاد، تصویری از امید به رهایی و آزادی و استمرار حیات ارائه میکند: «سنگ‌ها بگذار چون باد فرود آیند/ سنگ‌ها آبستن ابرند/ باران کم نخواهد شد...» (قزوه، ۱۳۸۵: ص ۱۳۲). شاهرودی با آوردن «از فردا/ افسردگی را برمیگیرد»، «دوست داشته شدن فردایی است» و «طلایه تو آینده باد» امید به آینده و رهایی و آزادی را بازنمایی میکند: «... حتم از/ فردا/ افسردگی را برمیگیرد و دوست داشته شدن/ فردایی است/ در نمای حتم/ ای دوست داشته شدن/ ای رنگارنگ- / در هزاران هزار سال/ طلایه تو آینده باد» (شاهرودی، ۱۳۹۰: ص ۵). مشرف آزاد تهرانی نیز با بیان کلماتی چون «طلوع روشن»، «راز شکفتن» و «آفتاب» بنوعی به امید به رهایی و آزادی مبارزان اشاره میکند: «خون در طلوع روشن، راز شکفتن است/ و با طلوع روشن خورشید، آفتاب‌هاست...» (مشرف آزاد تهرانی، ۱۴۰۲: صص ۱۱۴-۱۱۵).

حسینی با استفاده از ترکیب «عرصه بلا»، مبارزان فلسطینی را نه فقط در میدان جنگ، بلکه در دل یک مسیر الهی و تاریخی قرار میدهد. در ادبیات مقاومت، «بلا» معمولاً ناظر بر رنجهایی است که ملتهای تحت اشغال برای رسیدن به آزادی و عدالت متحمل میشوند؛ اما حسینی این رنج را از سطح صرفاً زمینی بسطع آزمون الهی و رسالت قدسی ارتقا میدهد. «گذر از عرصه بلا» در این شعر، نوعی عبور هویتی و تاریخی از ظلم برای رسیدن به رهایی و آزادی است؛ مبارز فلسطینی از میان این بلاها عبور میکند تا سرزمین و مردمش به رهایی و آزادی دست یابد. در این ابیات حسینی «قدس» را بعنوان غایت و نقطه اوج حرکت مقاومت معرفی میکند؛ مقصدی که فراتر از یک آزادسازی محض جغرافیایی است. وقتی میگوید «تا قدس رها ز بند بیداد شود»، آزادی قدس را همزمان آزادی تاریخ، کرامت، حافظه جمعی و هویت ملت فلسطین میبندد که باید از «بند بیداد» رها و آزاد شود:

اینان که ز عرصه بلا میگذرند با زمزمه سرود لا میگذرند
تا قدس رها ز بند بیداد شود از معبر سرخ کربلا میگذرد
(حسینی، ۱۳۸۷: ص ۱۴۹)

دعوت به فاصله‌گیری از ایدئولوژی خشونت‌زا

این مضمون در شعر و ادبیات پایداری با بهره‌گیری از زبانی اخلاقی و انسانی سعی دارد که مخاطب خود را با فاصله گرفتن از ایدئولوژی خشونت‌گر دعوت نماید. «خشم بصورت یک حالت هیجانی درونی ناخوشایند با فراوانی و شدت متغیر تعریف میشود که غالباً با افکار و ادراکات نادرست، برانگیختگی جسمی و تمایل فزاینده برای انجام رفتارهای کلامی و یا حرکتی که از لحاظ فرهنگی ناپسند است مشخص میشود. خشم معمولاً با یک محرک بیرونی شروع میشود و اغلب شامل یک جز سرزنش است» (احمدآبادی و دیگران، ۱۳۹۲: ص ۲۴). در شعر زیر بهبهانی از شخصیت داستانی میخواهد تا با بازگشت به منابع اصیل دینی، پرسشهای اخلاقی و انسانی خود را مطرح کند و دریابد که چگونه دین، که قرار بود وسیله‌ای برای هدایت و عدالت باشد، به ابزاری برای سرکوب و خشونت تبدیل شده است. میتوان گفت که خشم رفتاری کلامی و یا فیزیکی است که با رفتار مجادله‌ای همراه میشود و پیامدهایی نامطلوب در میان افراد و جامعه بدنبال دارد. عبارت «سودای دین دیگر کن» در ابیات زیر، نمایانگر دعوت به پایان دادن به سوءاستفاده‌های سیاسی و افراطی از دین است؛ شاعر نشان میدهد که ایمان واقعی نمیتواند با خشونت و جنایت همراه باشد:

با قوم خود بگو سارا، هرگز نبوده تا امروز
سارا، گریستی آتش بر قتل عام خونباری
سارا، بگوی با موسا سودای دین دیگر کن
سارا بپرس از موسا کاین افعیان نمیبینی؟
سارا جنازه‌ها اکنون افتاده بر زمین عریان
سارا جنازه‌ها اکنون افتاده بر زمین عریان
یک لحظه خشم و بیزاری با مردم فلسطین
صهیون نشان دوزخ شد از شعله‌های نفرینت
کز ننگ خود جهانخواری داغی نهاده بر دینت
یا ازدهای افعی کش تن میزند ز تمکینت؟
برکش کفن _ اگر داری _ از بقچه‌های رنگینت
(بهبهانی، ۱۳۸۴: صص ۷۲۷-۷۲۸)

ویرانی و تخریب شهرها

سخن گفتن شاعران از ویرانیه‌ها و خرابیه‌های فلسطین ابزاری قدرتمند برای انعکاس مفاهیمی همچون رنج، فاجعه و از دست دادن مردم مظلوم فلسطین است و بر پیامدهای جنگ و خشونت و تخریب و ویرانی شهرها تأکید دارد. سبزواری با تصاویر «آهن و سرب است ریزان بر در و دیوارها» و «آتش و دود است خیزان از سر بازارها» نه تنها ابعاد خشونت جسمی علیه مردم فلسطین را بتصویر میکشد، بلکه تخریب محیط زیست شهری و زیرساختهای اقتصادی و اجتماعی را نیز برجسته میکند:

آهن و سرب است ریزان بر در و دیوارها
آتش و دود است خیزان از سر بازارها
(سبزواری، ۱۳۷۶: ص ۶۴۵)

سپانلو نیز در شعر زیر با بتصویر کشیدن تصویر «گلی سیاه به شنزار» به نمادی از ویرانی اشاره میکند: گلی سیاه به شنزار/ به واژگونی معیارها/ به سنت کهن مردمی، در انقیاد نامردمان می‌اندیشد» (سپانلو، ۱۳۹۲: ص ۳۸۱). اشاره قزوه به گلوله به دنیا آوردن درخت زیتون و خونین بودن پرتقال به نوعی بازنمایی ویرانی و تخریب شهرهاست: «درخت/ زیتون را می‌آورند/ و جرمش این که چرا/ یک در میان گلوله به دنیا آورده بود...» (قزوه، ۱۳۸۵: ص ۱۳۲).

سلطه جباران و استعمارگران

یکی از موضوعات مورد توجه در ادبیات مقاومت، سخن گفتن از سلطه جباران و استبداد استعمارگران است در واقع «اختناق و استبداد داخلی و سلب آزادیهای فردی و اجتماعی از جمله زمینه‌های شکل‌گیری ادبیات مقاومت» (خضر، ۱۹۶۸م: ص ۴۵). و نیز از مضامین مورد توجه در شعر شاعران پایداری است. سبزواری با آوردن «مسند جبارها» و «بارکنش داد سرزمینی را که ایزد تاج حالیا بازش نگر شد عرصه پیکارها»، تصویری از سرزمینی ترسیم میکند که جایگاه قدرت‌مداران ستمگر شده و زیر فشار نظامهای سلطه‌گر نفس میکشد:

ای دریغا مأمن پیغمبران راستین
مکمن اهریمنان شد، مسند جبارها...
بارکناش داد سرزمینی را که ایزد تاج
حالیا بازش نگر شد عرصه پیکارها
(سبزواری، ۱۳۷۶: صص ۶۴۹-۶۴۵)

سپانلو نیز در شعر زیر با بیان مفاهیمی چون «انقیاد نامردمان» و «شیوه‌های صحنی آدمخواری» و «حق بجانبی دژخیم» بسلطه ظالمان اشاره دارد: «به سنت کهن مردمی، در انقیاد نامردمان می‌اندیشد/ بشیوه‌های صحنی آدمخواری/ به حق جانبی دژخیم...» (سپانلو، ۱۳۹۲: ص ۳۸۱).

تأسی به کربلا

واقعه عاشورا و حوادثی که در کربلا رخ داد، الگویی از مقاومت و پایداری حق در برابر باطل است که حسینی با

تأسی از آن مقاومت فلسطین را ادامه آن میداند. در واقع کربلا نماد خون جاری عرب در جسم ملت‌های اسلامی است (ر.ک نجاریان، ۱۳۸۸: ص ۲۱۱) که در حوزه ادبیات پایداری به آن توجه شده است. مصراع «از معبر سرخ کربلا میگذرد» اوج تفسیر بینامتنی این شعر حسینی است. شاعر نهضت فلسطین را امتداد مستقیم عاشورا معرفی میکند:

اینان که ز عرصه بلا می‌گذرند با زمزمه سرود لا می‌گذرند
تا قدس رها ز بند بیداد شود از معبر سرخ کربلا می‌گذرد
(حسینی، ۱۳۸۷: ص ۱۴۹)

مقاومت جمعی و هویت مشترک

مقاومت جمعی در مبارزه با ظلم از درون هویت مشترک همه جوامع اسلامی برمیخیزد که مردم را در رنجها و آرمانهایشان بهم میپوندند و آنها را در برابر هر گونه ظلم و تعدی استوار میگردانند. مشرف آزاد تهرانی با آوردن واژه‌های «با ما می‌آمیزد» و «ما گرد باد طاغی طاعونیم» هویت جمعی مقاومت را برجسته میکند. شاعر مخاطب را از موقعیت تماشاگر منفعل به کنشگری فعال دعوت میکند و پیوند اخلاقی و انسانی میان مردم فلسطین و جهانیان ایجاد میکند. این بخش گفتمان مقاومت فلسطین را از سطح سیاسی به سطح انسانی و اخلاقی ارتقا میدهد و نشان میدهد که مقاومت نه تنها یک پاسخ فیزیکی به تجاوز است، بلکه یک مسئولیت اخلاقی و اجتماعی نیز هست: «در مرز شهرهای مزامیری با ما میامیزید،/ ما را شبان به نیل فراخوانده ست./ باغ ما میامیزید،/ ما گرد باد طاغی طاعونیم...» (مشرف آزاد تهرانی، ۱۴۰۲: صص ۱۱۴-۱۱۵).

در شعر زیر از گرمارودی تبدیل کنش فردی به «توپ» یا ابزار فیزیکی نمادین، قدرت جمعی مقاومت فلسطینیان را نمایش میدهد؛ یعنی اقدامات فردی در نهایت به موفقیتها و مقاومت گسترده ملت تبدیل میشوند و مقاومت تنها یک مبارزه فیزیکی نیست بلکه نماد قدرت و اراده جمعی است: «و این چنین تو نیز - برادر/ فریاد ملتی را، آن روز،/ در پای ریختی/ و ایران/ ایران/ ایران.../ بانگی شد آنچنان/ و پای تو/ این بانگ را به هیأت یک توپ برد/ برد.../ در هُرم ریگزارهای فلسطین...» (شاهرودی، ۱۳۹۰: ص ۵). اشاره قزوه به سنگ در شعر زیر به مقاومت نمادین و هویت مشترک و هویت جمعی در مقابل دشمن و طرح مقاومت است: «سنگ‌ها بگذار چون باد فرود آیند/ سنگ‌ها آبستن ابرند» (قزوه، ۱۳۸۵: ص ۱۳۲).

همبستگی و همصدایی با آوارگان

همبستگی با ملت فلسطین نه بعنوان یک شعار، بلکه بمثابة یک حقیقت زیسته و جاری در بطن مقاومت است که بعنوان مضمونی محوری مورد توجه شاعران قرار گرفته است. اشاره صفار زاده به یکی شدن «همه یکی شده‌ایم / با هم / با راه / با الله»، درواقع از ذوب شدن هویت‌های فردی در یک اراده مشترک سخن میگوید؛ اراده‌ای که بر ایمان، هدف واحد و تجربه مشترک رنج و مبارزه استوار است. این همبستگی، پایه‌ای روانی - اجتماعی برای مقاومت میسازد؛ بگونه‌ای که درد یک فرد، به درد یک ملت تبدیل میشود و هر خانواده، عضوی از پیکره بزرگ مقاومت بحساب می‌آید: «همه یکی شده‌ایم/ با هم / با راه / با الله/ با سرزمین خسته و خونین/ با خلق قهرمان فلسطین...» (صفارزاده، ۱۳۹۱: صص ۳۳۹-۳۴۱).

جمله «من اهل قدس، اهل فلسطینم» نشان‌دهنده همدلی عمیق و همراهی شاعر با مردم فلسطین است. این عبارت، بمثابة یک ادعای استعاری، گرمارودی را در جایگاه یک عضو همراه و همصدا با ملت فلسطین قرار میدهد و حس مسئولیت و تعهد اخلاقی او نسبت به سرنوشت مردم مظلوم این سرزمین را منتقل میکند. چنین بازنمایی هویتی، زمینه همدلی و مشارکت ذهنی در مقاومت جمعی را فراهم می‌آورد و نشان میدهد که شاعر با استفاده از شعر، خود را در جریان مبارزه و ایستادگی مردم فلسطین شریک می‌سازد: «من اهل قدس، اهل فلسطینم/ در دستهای کوچک من سنگ، بر دوش یک فلاخن سنگ‌افکن/ در دل هوای جنگ/ در پیش روی دشمن» (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۳: ص ۳۰۴). مردانی نیز زندگی نسلی را بازمینماید که بخاطر اشغالگری و خشونت‌های نظامی مجبور به ترک وطن شده‌اند:

به چشم پنجره پاییز عشق دلگیر است	به دست و پای عزیزان هنوز زنجیر است
بیار مرهم نورانی ای دلاور صبح	که زخم کهنه ما از هجوم شمشیر است
بخوان ترانه غم با پرنده‌های غریب	که دل ز شکلک پوشالی جهان سیر است
زمین به محور خود خواب سرخ میبیند	یقین طلوعه خون در سپیده تعبیر است

(مردانی، ۱۳۶۴: ۵۶)

نقد بحران قدرت

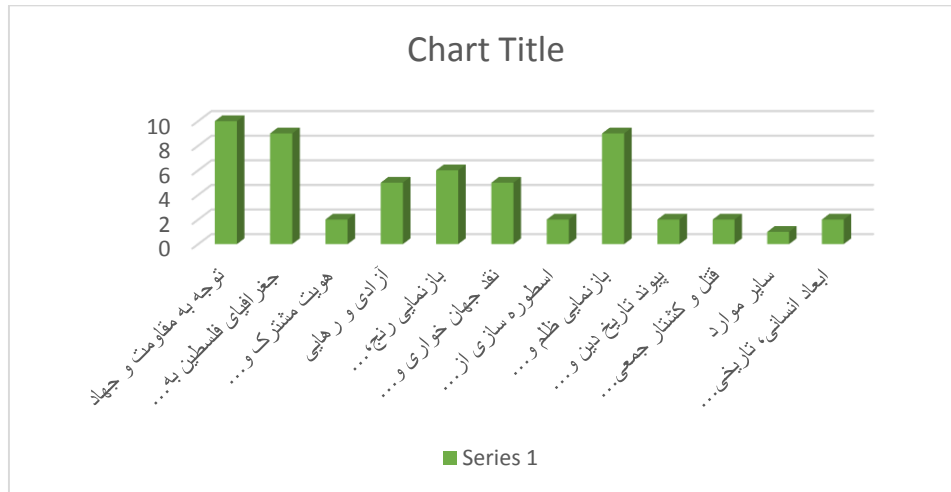
بحران قدرت و انتقاد از حاکمان، بازتابی از درد مردم در برابر بیکفایتی مسئولان و فروپاشی ارزشهای مردم مبارز است که آرمان آزادی را به اسارت مصلحت‌های سیاسی میکشاند. امین‌پور با عبارت «اصرار پشت پنجره گفتگو بس است» به ناکارآمدی مذاکرات رسمی و مسیرهای سیاسی صرف تأکید میکند. این مصرع نشان می‌دهد که تلاشهای دیپلماتیک یا گفتگوهای نمایی، زمانی که فاقد اراده واقعی برای عدالت و حمایت از حقوق مردم فلسطین باشند، نمیتوانند مانع استمرار ظلم و اشغالگری شوند:

اصرار پشت پنجره گفتگو بس است دستی برآوریم به تغییر پنجره
(امین‌پور، ۱۳۷۲: ص ۸۰)

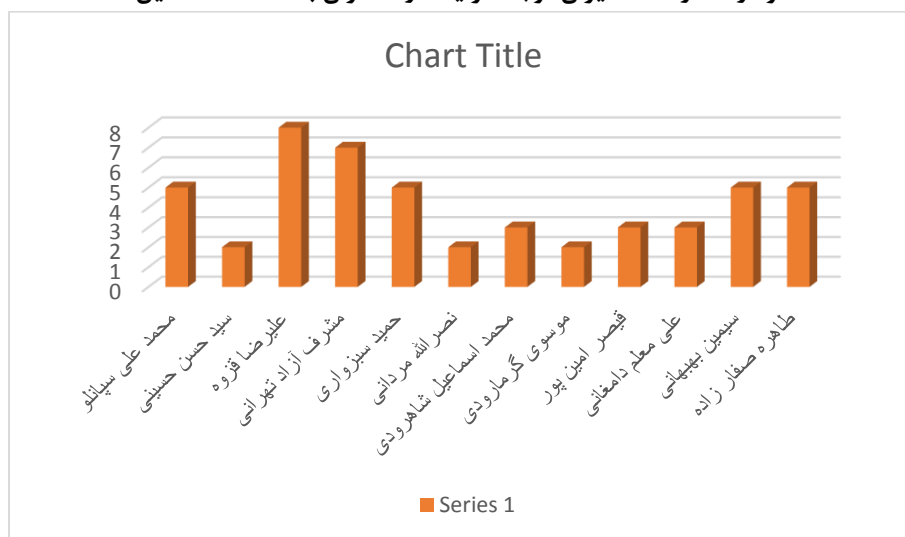
شاعر در آغاز ابیات با بازنمایی حکام و بزرگان ناتوان، تضاد میان ظاهر و باطن قدرت را برجسته میکند. عباراتی مانند «کلان‌سال کوچک بزرگان» و «پخته بایست اگر ملک سالار این به ره سوخته سوت خام است» نشان‌دهنده ناکارآمدی و عدم کفایت کسانی است که بقدرت رسیده‌اند، اما فاقد خرد، هنر و تعهد اخلاقی‌اند. تصاویر حیوانی نظیر «شغالی»، «گفتار شوریده» و «راسو و روباه لنگ» این ناکارآمدی را با شدت بیشتری بازنمایی میکنند و بیانگر این است که بسیاری از مدعیان قدرت، تنها به سود و منافع شخصی می‌اندیشند و از حکمت و عدالت بی‌بهره‌اند. شاعر با این بازنمایی، انتقادی اجتماعی و سیاسی نسبت به فساد و پوچی قدرت ارائه میدهد و خواننده را به درک بحران اخلاقی و مدیریتی جامعه هدایت میکند:

این کلان‌سال کوچک بزرگان پیر راهی به صورت جوان نیست
پخته بایست اگر ملک سالار این به ره سوخته سوت خام است
(معلم دامغانی، ۱۳۹۲: ص ۵۶)

مودار شماره (۱) مهمترین مضامین با محوریت فلسطین



نمودار شماره (۲) میزان توجه هر یک از شاعران به مسئله فلسطین



نتیجه گیری

بررسی اشعار دوازده شاعر مقاومت از نظر توجه به مضامین پایداری، تصویری روشن از اولویتهای و دغدغههای اصلی این شاعران در حوزه مقاومت و پایداری را ارائه میدهد. نتایج حاکی از آن است که بیشترین بسامد و اهمیت در اشعار شاعران مورد بررسی بمقوله مقاومت و جهاد در برابر دشمن اختصاص یافته است. این تأکید مستمر بر پایداری در برابر دشمن، نمایانگر جایگاه بنیادین این مضمون در اندیشه شاعران مقاومت است. در نگرش این شاعران، مقاومت نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت حیاتی برای حفظ هویت و کرامت انسانی است. از دیگر مضامین

برجسته مورد توجه شاعران، موضوع جغرافیای فلسطین بعنوان بستر هویتی ایستادگی و مضمون بازنمایی ظلم و اشغالگری دشمن است. پرداختن به فلسطین بعنوان بستری هویتی برای مقاومت، جایگاه محوری این موضوع را در ادبیات مقاومت آشکار میسازد. شاعران، فلسطین را نماد مبارزه با اشغالگری و نماد مقاومت در سطح منطقه و جهان معرفی میکنند. توجه شاعران بظلم و اشغالگری و رنج و خشونت انسانی نیز نمایانگر بتصویر کشیدن ابعاد دردناک مقاومت توسط شاعران است. بازنمایی رنج، خشونت و فجایع انسانی، ضمن افزایش عمق احساسی شعر، واقعیت‌های تلخ مبارزه را برای مخاطب آشکار میسازد. رویکرد انتقادی شاعران نسبت به جهان‌خواری و زیاده‌خواهی دشمنان نیز از دیگر مضامین پرتکرار است. این نقد، پاسخی ادبی به ستمگریها و تجاوزگریهای قدرتهای سلطه‌گر محسوب میشود. مضامینی چون «پیوند تاریخ دین و مقاومت»، «اسطوره سازی از مرگ و رستاخیز»، «هویت مشترک و مقاومت جمعی» و ابعاد انسانی، تاریخی و دینی مقاومت» در مراتب بعدی توجه شاعران قرار دارند. این مضامین، اگرچه کمتر مورد تاکید قرار گرفته‌اند، اما در تار و پود اشعار تنیده شده و تنی چند از شاعران به آن توجه داشته‌اند. برخی مضامین مورد بررسی دیگر، اگرچه در شعر حداقل یکی از شاعران مورد توجه قرار گرفته‌اند، اما در کلیت، کمتر بسامد داشته‌اند. این پراکندگی نشان‌دهنده نگاه متنوع شاعران به ابعاد مختلف مقاومت و یا اندیشه فردی آنها در پرداختن بموضوعات خاص است. در مجموع، این تحلیل نشان میدهد که اشعار شاعران مورد بررسی، بازتابی از مبارزه و مقاومت مستمر، انتقاد از ظلم و اشغالگری و توجه به سرزمین فلسطین بعنوان کانون ایستادگی، مقاومت و مبارزه در راه ظلم و بیعدالتی است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی(ره) شهر ری استخراج شده است. سرکار خانم دکتر زهره نورایی‌نیا راهنمایی رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مقاله و نویسنده مسئول بوده‌اند. سرکار خانم دکتر هانیه صدری‌مجد بعنوان مشاور و دانشجو آقای کیخسرو ذوالفقاری، پژوهشگران این مقاله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی(ره) اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهدہ نویسندهٔ مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Eliade. Mircha (1983). Perspectives of Myth. Translated by Jalal Sattari, Tehran: Hermes, p. 14.
- Ahmadabadi et al. (2013). "Investigating the Effectiveness of Cognitive-Behavioral Group Therapy in Reducing Aggression". Health Psychology. Shiraz University Journal, Volume 2. Issue 5. pp. 23-33.

- Aminpour. Qeiser (1993). *Sudden Mirrors*. Tehran: Meraj.
- Bavanpouri Masoud et al. (2018). "Glimpses of Resistance Literature in the Poetry of Ali Foudeh, the Poet of the Palestinian Resistance". *Two Quarterly Journals of Sacred Defense Literature*. Shahed University. Volume 2. Issue 1. Series 2. pp. 1-12.
- Baharlou. Alireza and Hassanvand. Mohammad Kazem (2015). "The Origin and Change of Concepts in the Visual Symbolism of Palestinian Art with Emphasis on Contemporary Painting and Cactus Motifs". *Fine Arts-Visual Arts Journal*. Volume 20. Issue 3. pp. 57-70.
- Behbahani. Simin (2005). *Collection of poems*. Tehran, Negah.
- Hosseini. Seyyed Hassan (2008). *In harmony with the throat of Ismail*. Fourth edition, Tehran: Surah Noor.
- Hakimi. Mohammad Reza (1971). *The Sun of the West*. Tehran: Ghadir, pp. 245-239.
- Khezr. Abbas (1986). *Literature of the Resistance*. Cairo: Dar al-Kateb al-Arabi, p. 45.
- Zolfaqari. Kaykhosro. Others (2025). "A study and analysis of metaphorical and simile images in the poetry of poets of Iranian resistance literature with emphasis on the theme of Palestine". *Scientific monthly style of Persian poetry and prose (Bahar Adab)*. Year 18. Issue 11. Serial 117. pp. 79-97.
- _____ (2025a). "A comparative study of the content image of Palestine in the poetry of Iranian and Iraqi poets". *Treasure of Persian Language and Literature*. Third Volume. First Issue. pp. 1-16.
- Sabzevari. Hamid (1997). *Song of Pain*. Tehran: Kayhan.
- Sepanlu. Mohammad Ali (2013). *Collection of poems by Mohammad Ali Sepanlu*. Tehran: Negah.
- Sangari. Mohammad Reza (2010). *Literature of the Sacred Defense*. Tehran: Foundation for Preservation of Works and Values of the Sacred Defense, p. 75.
- Shahroudi. Mohammad Ismail (2011). *Collection of poems*. Tehran: Negah.
- Saffarzadeh. Tahereh (2012). *Collection of poems*. Introduction by Mohammad Khoghuri. Tehran: Pars Ketab.
- Ghazveh. Ali Reza (2006). *Behind every barricade is God*. Tehran: Etelat.
- Kariminia. Fereshteh (2020). "Comparative Study of Symbols of Persistence in the Poetry of Fadavi Toqan and Sepideh Kashani". *Master's Thesis in Arabic Language and Literature*. Faculty of Literature and Humanities, University of Ilam, p. 74.
- Gorji. Mostafa (2008). "Investigating the Nature of Pain and Suffering in Qeiser Aminpour's Poems, Hidden Pains". *Quarterly Journal of Literary Research*, Year 5, Issue 20, pp. 107-130.
- Mardani. Nasrallah (1985). *Collection of Poems*. Tehran: Islamic Thought Center.
- Moshraf-Azad Tehrani. Mahmoud (2023). *Collection of Poems*. By the Effort of Alireza Raees Danaei. Tehran: Negah.
- Moallem Damghani. Ali (2013). *Selected Poems*. Tehran. Sooreh Mehr Publications.
- Mousavi Garmarudi. Ali (2004). *Green Voice*. Tehran: Ghadiani Publications.
- Mirahmadi. Mansour and Saber. Aqeel (2023). "Sociology of Knowledge of Palestinian Resistance Literature". *Journal of Political and International Approaches*. Volume 14. Issue 4. pp. 107-128.
- Najarian. Mohammad Reza (2009). "Themes of Persistence Literature in Mahmoud Darwish's Poetry". *Journal of Persistence Literature*. Shahid Bahonar University of Kerman. Faculty of Literature and Humanities. First Year. Issue 1. pp. 201-222.

Nemati, Farooq et al. (2022). "The Discourse of Palestinian Resistance; The Beginning of Islamic Awakening among Contemporary Arab Poets". Quarterly Journal of Islamic Awakening Studies. Volume 11. Issue 2. Series 24. pp. 51-79.

فهرست منابع فارسی

- الیاده. میرچا (۱۳۶۲). چشم‌اندازهای اسطوره. ترجمه: جلال ستاری، تهران: هرمس، ص ۱۴.
- احمدآبادی و دیگران (۱۳۹۲). «بررسی اثربخشی گروه درمانی شناختی - رفتاری در کاهش پرخاشگری». روانشناسی سلامت. نشریه دانشگاه شیراز، دوره ۲، شماره ۵. صص ۲۳-۳۳.
- امین‌پور. قیصر (۱۳۷۲). آیین‌های ناگهان. تهران: معراج.
- باوان پوری مسعود و دیگران (۱۳۹۷). «بارقه‌هایی از ادبیات مقاومت در شعر علی فوده، شاعر مقاومت فلسطین». دو فصلنامه ادبیات دفاع مقدس. دانشگاه شاهد. دوره ۲، شماره ۱. پیاپی ۲. صص ۱-۱۲.
- بهارلو. علیرضا و حسنوند. محمدکاظم (۱۳۹۴). «خاستگاه و دگرش مفاهیم در نمادپردازیهای تصویری هنر فلسطین با تاکید بر نقاشی معاصر و نقشمایه‌های کاکتوس». نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی. دوره ۲۰، شماره ۳. صص ۵۷-۷۰.
- بهبهانی. سیمین (۱۳۸۴). مجموعه اشعار. تهران، نگاه.
- حسینی. سیدحسن (۱۳۸۷). همصدا با حلق اسماعیل. چاپ چهارم، تهران: سوره نور.
- حکیمی. محمدرضا (۱۳۵۰). خورشید مغرب. تهران: غدیر، صص ۲۴۵-۲۳۹.
- خضر. عباس (۱۹۸۶). ادب المقاومة. قاهره: دارالکاتب العربی، ص ۴۵.
- ذوالفقاری. کیخسرو. دیگران (۱۴۰۴). «بررسی و تحلیل تصاویر استعاره‌ای و تشبیهی در شعر شاعران ادبیات مقاومت ایران با تکیه بر موضوع فلسطین». ماهنامه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال ۱۸، شماره ۱۱. پی در پی ۱۱۷. صص ۷۹-۹۷.
- _____ (۱۴۰۴ الف). «بررسی تطبیقی تصویر محتوایی فلسطین در شعر شاعران ایرانی و عراقی». گنجینه زبان و ادبیات فارسی. دوره سوم، شماره اول. صص ۱۶-۱.
- سبزواری. حمید (۱۳۷۶). سرود درد. تهران: کیهان.
- سپانلو. محمدعلی (۱۳۹۲). مجموعه اشعار محمدعلی سپانلو. تهران: نگاه.
- سنگری. محمد رضا (۱۳۸۹). ادبیات دفاع مقدس. تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، ص ۷۵.
- شاهرودی. محمداسماعیل (۱۳۹۰). مجموعه اشعار. تهران: نگاه.
- صفارزاده. طاهره (۱۳۹۱). مجموعه اشعار. مقدمه محمد حقوقی. تهران: پارس کتاب.
- قزوه. علیرضا (۱۳۸۵). پشت هر سنگر خداست. تهران: اطلاعات.
- کریمی‌نیا. فرشته (۱۳۹۹). «بررسی تطبیقی نمادهای پایداری در شعر فدوی طوقان و سپیده کاشانی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ایلام، ص ۷۴.
- گرچی. مصطفی (۱۳۸۷). «بررسی ماهیت درد و رنج در اشعار قیصر امین‌پور دردهای پنهانی». فصلنامه پژوهشهای ادبی سال ۵، شماره ۲۰. صص ۱۰۷-۱۳۰.
- گردانی. نصرالله (۱۳۶۴). مجموعه اشعار. تهران: حوزه اندیشه اسلامی.
- مشرف‌آزاد تهرانی. محمود (۱۴۰۲). مجموعه اشعار. به کوشش علیرضا رئیس دانایی. تهران: نگاه.
- معلم دامغانی. علی (۱۳۹۲). گزیده اشعار. تهران. انتشارات سوره مهر.

موسوی گرمارودی. علی (۱۳۸۳). صدای سبز. تهران: انتشارات قدیانی.

میراحمدی. منصور و صابر. عقیل (۱۴۰۲). «جامعه‌شناسی معرفت ادبیات مقاومت فلسطین». نشریه رهیافتهای سیاسی و بین‌المللی. دوره ۱۴. شماره ۴. صص ۱۲۸-۱۰۷.

نجاریان. محمدرضا (۱۳۸۸). «بنمایه‌های ادب پایداری در شعر محمود درویش». نشریه ادبیات پایداری. دانشگاه شهید باهنر کرمان. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. سال اول. شماره اول. صص ۲۰۱-۲۲۲.

نعمتی. فاروق و دیگران (۱۴۰۱). «گفتمان مقاومت فلسطین؛ طلوعه بیداری اسلامی در میان شاعران معاصر عرب». فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی. دوره ۱۱. شماره ۲. پیاپی ۲۴. صص ۵۱-۷۹.

معرفی نویسندگان

کیخسرو ذوالفقاری: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: 3962266143@iau.ir)
(ORCID: [0009-0008-1469-x912](https://orcid.org/0009-0008-1469-x912))

زهره نورایی‌نیا: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: z.nooraee@iau.ac.ir : نویسنده مسئول)
(ORCID: [0000-0001-8983-3751](https://orcid.org/0000-0001-8983-3751))

هانیه صدری مجد: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: haniehsadrimajd@iau.ir)
(ORCID: [0000-0002-1252-4835](https://orcid.org/0000-0002-1252-4835))

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Keykhosro Zolfaghari: Department of Persian Language and Literature, YI.C, Shahr-e Ray, Tehran, Iran.
(Email: 3962266143@iau.ir)
(ORCID: [0009-0008-1469-x912](https://orcid.org/0009-0008-1469-x912))

Zohre Noraeinia: Department of Persian Language and Literature, YI.C, Shahr-e Ray, Tehran, Iran.
(Email: z.nooraee@iau.ac.ir : Responsible author)
(ORCID: [0000-0001-8983-3751](https://orcid.org/0000-0001-8983-3751))

Haniyeh Sadrimajd: Department of Persian Language and Literature, YI.C, Shahr-e Ray, Tehran, Iran.
(Email: haniehsadrimajd@iau.ir)
(ORCID: [0000-0002-1252-4835](https://orcid.org/0000-0002-1252-4835))